

دیدگاه

اقتصاد ایران و چالش جذب سرمایه‌های خارجی

مجید سلیمی‌پروجنی

سال ۹۸ برای ایرانیان با نگاه به آسمان و باران و سیل آغاز شد. کل زندگی و رفت‌وآمد ایرانیان تحت‌تاثیر سیل قرار گرفت. انگار که همه درهای آسمان بر سر ایران باز شده بود و کل باران تاریخ بر سر ایرانیان بارید.

در هفته‌های ابتدایی سال جاری شاهد ادامه فشارهای آمریکا و سنگین‌تر شدن تحریم‌های بین‌المللی علیه کشورمان بودیم. سیاست نه جنگ و نه صلح همچنان در دستور کار قرار گرفته کشورهای دیگر همچون فرانسه تمام تلاششان بر این بود که با راهکارهای بینابینی همچون بسته ۱۵ میلیارد دلاری گره کور تحریم‌ها را باز کنند.

با وجود این که کاخ الیزه از صحت در مورد میانجی‌گری خودنمایی می‌کرده، اما تلاش‌های ادامه‌دار مکررون نشان می‌دهد که فرانسه می‌خواهد توافق هستنهای را نجات دهد. طی چند ماه گذشته دیپلماسی در جاده پر از دست‌اندازی افتاده و التهايات شديد اقتصادمان کمی کاهش یافته است. همه این حوادث و سایر موارد مشابه باعث شده‌اند که اقتصاد ایران طی چند سال گذشته حال و روز خوشی نداشته باشد. تحریم‌های یک دهه اخیر مانع ورود سرمایه‌گذاران خارجی به کشورمان شده و نبود یک افق بلندمدت مطمئن در اقتصاد، حتی سرمایه‌های داخلی‌مان را نیز به سایر کشورها سوق داده است. کاهش نرخ سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران متأثر از عوامل متعدد ساختاری، سیاست‌های داخلی و عوامل درونی است. اولین و مهم‌ترین عامل اثرگذار بر کاهش سرمایه‌گذاری، تورم مزمن و بی‌ثباتی اقتصاد کلان است.

تورم ساختاری و مزمن اقتصاد ایران موجب بی‌ثباتی بازارها، کاهش کرایبی برنامه‌ریز اقتصادی، افزایش انگیزه سفته‌بازی و کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری بلندمدت شده است. جدا از آن، بی‌ثباتی قیمت‌ها زمینه دخالت‌های مستقیم دولت در اقتصاد و اختلال در بازارها و در نتیجه کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری را فراهم کرده است. سرمایه‌گذاری نیاز به بازارهای مالی کارا، توسعه‌یافته و عمیق دارد. بخش عمده منابع مالی سرمایه‌گذاری‌ها در ایران به اتکای منابع بودجه عمومی یا منابع بانکی تأمین می‌شود؛ این در حالی است که بودجه عمومی به علت وابستگی به درآمد نفت پرنوسان است و نظام بانکی نیز با مشکلات ساختاری و انجماد مالی مواجه است. به عوامل مذکور، این نکته را نیز باید افزود که عواملی مانند دخالت دولت در قیمت‌گذاری محصول، تعیین تکلیف دولت برای بنگاه‌های خصوصی، سرکوب بلندمدت نرخ ارز، نامساعدی محیط کسب‌وکار، انحصارات و سهم بالای بخش عمومی در اقتصاد و نظایر آن، موجب تضعیف بخش خصوصی و کاهش توان سرمایه‌گذاری بنگاه‌های اقتصادی غیردولتی شده است. از این رو، ضعف بانکداری خصوصی را می‌توان یکی از عوامل محدودکننده رشد سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران دانست. تشدید تحریم‌های خارجی در دوره اخیر و ریسک تعامل با بازارهای جهانی در بلندمدت را نیز باید به فهرست عوامل محدودکننده سرمایه‌گذاری در کشور افزود.

بررسی مبسوط عوامل موثر بر کاهش سرمایه‌گذاری خارج از ظرفیت آماری بحث است. آمارهای دهه ۹۰ و حتی قبل از آن نیز نشان می‌دهد که در زمان التهاب‌های اقتصادی و جهش‌های یک‌باره قیمتی، از میزان سرمایه‌گذاری کاسته می‌شود. اصولاً وقتی التهابات در بازارهای دارایی افزایش پیدا می‌کند، سرمایه‌گذار در این تفکر است در جایی منابع خود را قرار دهد که از ریسک‌های افزایش قیمت مصون بماند. به بیان دیگر، اگر برای یک فرد آینده روشن و واضحی از سرمایه‌گذاری در یک بخش ایجاد نشود، او از این کار منصرف می‌شود و به دنبال این است که با یک عملیات کوتاه‌مدت به سود و بازدهی برسد. در سوی دیگر ماجرا، سرمایه‌گذاری در ثبات (همچون همسایگانمان) معنا پیدا می‌کند. در حال حاضر آمار و ارقام نشان می‌دهد که طی سال‌های قبل مقدار قابل توجهی از سرمایه‌های ایرانیان به سمت کشورهایی همچون گرجستان، ترکیه، آذربایجان و… مهاجرت کرده است. دلیل اصلی این مهاجرت و نیز ثبات موجود در اقتصاد کلان این کشور است. بدون تردید در سال‌های آینده این موضوع به عنوان یکی از چالش‌های اساسی کشور مطرح خواهد شد. مهم‌ترین بحث در ایجاد اشتغال پایدار، سرمایه‌گذاری است. در بخش‌های صنعتی، سرمایه‌گذاری نیاز به زمان دارد تا به نتیجه برسد، اما اثرات آن نیز پایدارتر از سایر بخش‌ها مانند خدمات است. از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری باعث ایجاد رشد اقتصادی پایدار می‌شود که در بلندمدت باعث افزایش درآمد آحاد اقتصادی می‌شود. این چرخه ادامه پیدا کرده و افزایش درآمد منجر به سرمایه‌گذاری بیشتر می‌شود.

گروهی از کارشناسان معقدند که باید استراتژی مدیریت اقتصادی، تغییرات بنیادین پیدا کند، اما واقعیت امر این است که ما استراتژی به معنای یک انتخاب آگاهانه و هوشمندانه نداشته‌ایم؛ اتفاقی که در اقتصاد ایران در چند دهه اخیر افتاده، عمده‌اش ناشی از سیستم‌های قدیمی و ناقص بوده که در اقتصادمان هنوز وجود دارد. ایجاد سرمایه و تجمع آن، بستگی به این دارد که بازدهی سرمایه‌گذاری در اقتصاد به چه شکل است. در شرایط جاری و سطح فعلی بهرموری اقتصادی مان و با عدم قطعیت‌هایی که در اقتصاد وجود دارد، قابل انتظار است که بازدهی سرمایه‌گذاری در اقتصاد کاهش یابد. در نتیجه دولتمردان باید فاکتورهایی را که باعث شده بازدهی سرمایه گذاری در اقتصاد کاهش یابد، شناسایی و برطرف کنند. بدین جهت یکی از اصلی‌ترین وظایف نظام و دولت باید اصلاح شرایط سرمایه‌گذاری در ایران باشد. سیاست‌گذار باید بپذیرد که تزیریق نقدینگی، راه افزایش سرمایه‌گذاری نیست. افزایش سرمایه‌گذاری در درجه اول نیازمند شکل‌گیری انتظارات مثبتی برای بازدهی سرمایه‌گذاری است. زمانی که سیاست‌گذار این را بپذیرد، مورد دوم مطرح می‌شود. مورد دوم آن است که سیاست‌گذار توسعه اقتصادی را وظیفه اول خود بداند و در این راه، مسوولیت‌پذیر باشد. البته این‌ها شرایط لازم هستند. اگر سیاست‌گذار توسعه اقتصادی و ثروتمند کردن مردم را اولویت اول خود نداند یا درک مناسب از انگیزه‌های اقتصادی نداشته باشد، امید به بهبود شرایط ساده‌انگارانه خواهد بود. توسعه سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی پایدار، نیازمند کاهش تهدیدهای خارجی و بهبود روابط اقتصادی با سایر کشورها و بهره‌گیری از مزیت تجارت خارجی و توسعه بازارهای صادراتی است.

تحلیلگر اقتصادی

{اقتصاد}

جزئیات درآمدهای نجومی کارت به کارت برای بازیگران عرصه مالی

بزن به کارت‌م را چه کسی باید نظارت کند

کم‌سابقه، شاپرک مأمور شد در مدت کوتاهی سامانه‌ای را ایجاد کند تا به وضعیت نا به‌سامان تراکنش‌های کارت‌به‌کارت نظم و انضباطی داده شود.

این تصمیم از آن‌رو کم سابقه ارزیابی می‌شود که معاون وقت فناوری‌های نوین بانک‌مرکزی علی‌رغم اینکه ایجاد چنین سامانه‌ای از جنس اقدامات عملیاتی بود، انجام آن را به رگولاتور حوزه پرداخت سپرد و عملاً رویکرد گذشته خود را در دور نگه داشتن شاپرک از حوزه‌های عملیاتی نادیده گرفت. به این ترتیب



شاپرک خود را مأمور سر و سامان دادن به تراکنش‌هایی دید که تا چندی پیش آن را بدرستی خارج از حیطه مسئولیت‌هایش می‌دانست!

صداهایی که بلند شد

این واگذاری همان‌گونه که دور از ذهن نیز نبود، حواشی و واکنش‌هایی به دنبال داشت؛ واکنش‌هایی که قاعدتاً باید به حساب ذینفعان پیدا و پنهان ادامه مدل فعلی گذاشت چرا که ظاهراً تغییر شرایط را حالا به هر شکلی که باشد به زیان خود می‌دانند و چه منفعتی بالاتر از درآمد؟

به این ترتیب سؤال اصلی این است که سازوکار درآمدی مدل فعلی چگونه است؟ ذینفعان اصلی چه کسانی هستند؟ در چه صورتی انتفاع این دسته با مدل جدید ممکن است به مخاطره بیفتد و …؟! بنا بر دستورالعمل «الزامات خدمت انتقال کارت‌به‌کارت دو جانبه بدون حضور کارت»، کارمزد این خدمت مطابق نرخ کارمزدهای انتقال وجه ابلاغ شده توسط بانک مرکزی است. به این ترتیب از آنجا که سقف انتقال وجه بوسیله پرداخت‌سازها یک میلیون تومان تعیین شده، کارمزد این تراکنش ۵۰۰ تومان است.

پرس‌وجوها نیز نشان‌می‌دهد مدل تقسیم این کارمزد ۵۰۰ تومانی چه بوسیله پرداخت‌ساز انجام شود چه بوسیله خودپرداز، یکی است و تفاوتی نمی‌کند.

بخش اقتصاد– کارت به کارت یکی از متداول‌ترین عملیات بانکی در ایران است که اگرچه نمونه‌های مشابه زیادی در مدل‌های استاندارد جهانی برای آن وجود ندارد ولی به خصوص طی سال‌های اخیر به یکی از پرکاربردترین تراکنش‌ها در کشور ما تبدیل شده‌است تا جایی که برآوردهای حدودی، تعداد آن را بیش از ۳ میلیارد تراکنش در سال نشان می‌دهند.

یکی از علل افزایش این تراکنش‌ها به بیش از سالانه سه میلیارد، تغییری است که از خرداد سال ۹۶ با ابلاغ دستورالعملی موجز و کوتاه از سوی بانک‌مرکزی در ابزارهای انجام این تراکنش ایجاد شده؛ دستورالعملی با نام «الزامات خدمت انتقال کارت‌به‌کارت دو جانبه بدون حضور کارت» که همچنان تنها مستندی است که در آن تعریفی از «پرداخت‌سازی» ارائه شده است.

با ابلاغ این دستورالعمل، مؤسسات اعتباری مجاز شدند عملیات آغاز تراکنش‌های کارت‌به‌کارت را به اشخاص حقوقی واگذار کنند ولی مسئولیت و پاسخگویی در قبال این تراکنش‌ها همچنان بر عهده خود آن‌هاست.

پرداخت‌ساز؛ مولود ناقص‌الخلقه کارت‌به‌کارت

اشخاص حقوقی مورد اشاره در این دستورالعمل در واقع همان‌هایی هستند که پیش از این‌ها برخی مسئولان بانک‌مرکزی شفهاها از آن‌ها با عنوان «پرداخت‌ساز» نام برده بودند. بنا بر تعریف ارائه شده در این دستورالعمل، پرداخت‌ساز شخصیتی حقوقی است که با توسعه اپلیکیشن، امکان آغاز تراکنش‌های انتقال وجه کارت‌به‌کارت را فراهم می‌کند. به این ترتیب پای آپ‌های مختلف به عنوان بازیگران جدید حوزه فین‌تک به عملیات انتقال وجه کارت‌ی باز شد ولی مشکل این بود که هیچ مستند مجزایی درباره فعالیت پرداخت‌سازی که مثلاً شرایط، نهاد متولی ارائه مجوز، مقررات و استانداردهای ناظر بر فعالیت و… را تعیین و تشریح کند، از سوی بانک‌مرکزی تدوین نشده بود و هنوز هم نشده است.

لازم به گفتن نیست که ایجاد چنین امکانی اگرچه با محدودیت‌هایی مانند حداکثر سقف یک میلیون تومان انتقال برای هر کارت در ششانه‌روز همراه بود، زمینه رقابت جذابی برای شرکت‌های پی‌اس‌پی به وجود آورد.

از آنجایی که اغلب این شرکت‌ها پیش از این اپلیکیشن‌های خود را در حوزه ارائه خدمات مختلف پرداختی معرفی کرده و توسعه داده بودند، کاملاً مشخص بود که برندگان اصلی رقابت در جمع کردن تراکنش‌های انتقال وجه کارت‌ی، شرکت‌های پی‌اس‌پی خواهند بود.

شاپرک نگران

ارائه خدمت کارت‌به‌کارت بر روی اپلیکیشن‌های پی‌اس‌پی‌ها اگرچه با مجوز بانک‌مرکزی انجام شد اما اصلاً با موافقت و استقبال شاپرک همراه نبود. به همین خاطر نیز مسئولان این شرکت در اطلاعیه‌ای که اردیبهشت ماه امسال بر روی سایت شاپرک قرار گرفت، اعلام کردند برخلاف خدمات پرداخت، خدمت کارت به کارت تماماً شتایی بوده و از زیرساخت‌های شبکه پرداخت الکترونیک کشور یعنی سوئیچ شرکت‌های پی‌اس‌پی و شرکت شاپرک عبور نمی‌کنند بلکه مشابه سایر تراکنش‌های کارت‌به‌کارت از طریق سوئیچ بانک پذیرنده مستقیماً به سوئیچ شتاب ارسال می‌شوند.

با توجه به تکرار این اشتباه از سوی برخی ناظران و رسانه‌ها، تأکید بر این نکته ضروری است که خدمت کارت‌به‌کارت چه در قالب برخی اپلیکیشن‌های شرکت‌های پی‌اس‌پی ارائه شود و چه از سوی برخی اپلیکیشن‌های دیگر، کاملاً از شبکه پرداخت مجزا بوده و بنا بر الزامات بانک‌مرکزی، مدیریت ریسک‌های آن بر عهده بانک‌ها قرار دارد.

همان‌گونه که از بین خطوط این بیانیه کوتاه برمی‌آید مسئولان شاپرک با ارائه خدمت کارت‌به‌کارت بر روی اپلیکیشن‌های شرکت‌های پرداختی مخالف بودند و برای این مخالفت نیز دلائل متعددی داشتند گرچه هیچ‌گاه آشکارا این مخالفت و دلائل آن را اعلام نکردند؛ عملیات انتقال وجه کارت‌ی به اعتقاد مسئولان شاپرک اساساً یک عملیات پرداختی نبود و نیست و ارائه این خدمت توسط شرکت‌های پرداختی می‌توانست زمینه تداخل حوزه‌های سرویس‌دهی را فراهم آورد کمااینکه خیلی زود شاهد بروز این مشکل بودیم و شاپرک از نظارت بر تخلفات صورت گرفته در این خدمت و جلوگیری از آن‌ها شانه خالی کرد چرا که خود را نهاد مرجع و مسئول در حوزه پرداخت می‌دانست نه عملیاتی از جنس انتقال وجه که سرویسی غیرپرداختی است.

واقعیت دیگری نیز در میان بوده از آنجایی که تراکنش‌های کارت‌به‌کارت از سوئیچ شاپرک عبور نمی‌کرد حتی در صورت تمایل، شاپرک عملاً نمی‌توانست اشراف و اعمال نظارتی بر این تراکنش‌ها داشته باشد؛ به عبارت دیگر پس از بروز تخلفاتی توسط برخی شرکت‌های پرداختی در سرویس کارت‌به‌کارت که عمدتاً مربوط به عدم رعایت سقف یک میلیون تومانی انتقال در هر ششانه‌روز می‌شد، اصرار و چانه‌زنی مسئولان وقت بانک‌مرکزی با مدیران شاپرک برای برخورد با پی‌اس‌پی‌ها عملاً راه به جایی نبرد چرا که نظارت بر تراکنش‌هایی که شاپرک اساساً اطلاع‌ای از آن‌ها نداشت، کاملاً ناممکن و بی‌معنا بود.

علاوه بر این در همان مستند الزام خدمت پرداخت کارت‌به‌کارت که توسط بانک‌مرکزی ابلاغ شده بود، مسئولیت نظارت و مدیریت تمام ریسک‌های برون‌سپاری آغاز تراکنش انتقال وجه متوجه بانک مبدأ دانسته شده است بنابراین بانک‌ها باید مانع تخلفاتی مانند تخلف از سقف انتقال شوند.

بهبشت تخلفات

همین ضعف نظارت در کنار عوامل دیگر خیلی زود، انتقال وجه کارت‌ی توسط پرداخت‌سازها را به ابزاری آسان و راحت برای جابه‌جایی پول‌های غیرشفاف تبدیل کرد و این یکی از همان علل افزایش چشمگیر تعداد تراکنش‌های کارت‌به‌کارت مخصوصاً طی چند ماه اخیر است.

شواهد افزایش این تراکنش‌های غیرشفاف را می‌توان براحتی در سخنان دی ماه سال گذشته رئیس اداره پیشگیری از جرائم سایبری پلیس فتا ناچا دید آنجا که گفت «به منظور مبارزه با قمار و شرط‌بندی و جلوگیری از کلاهبرداری عاملان دایرکننده قمارخانه‌های مجازی، همکاری و تعاملاتی میان پلیس فتا، دادستانی کل کشور و سیستم بانکی با پیگیری بانک مرکزی شکل گرفته که نتایج بسیار خوبی در جلوگیری از هدررفت سرمایه‌ها و افزایش فعالیت این سایت‌ها داشته است.»

به تصریح سرهنگ دوم علی‌نیک‌نفس «با توجه به جلوگیری گسترده از فعالیت درگاه‌های پرداختی اینترنتی و بانکی در این سایت‌ها و افزایش حساسیت از طریق درگاه‌های واسط، تراکنش‌ها در سایت‌های قمار و شرط‌بندی، با بیت‌کوین، رمزارزها و پول نقد انجام می‌شود.»

منظور این مقام مسئول پلیس فتا از پول نقد در واقع همان پولی است که از طریق خدمت کارت‌به‌کارت دست به دست می‌شد؛ به عبارت دیگر افزایش سخت‌گیری‌ها و نظارت‌های هوشمند در شبکه پرداخت، قماربازها و اهالی شرط‌بندی را به سمت استفاده از ابزار کارت‌به‌کارت سوق داده بود.

گذشته از این ملاحظه، بانک مرکزی هم به عنوان نهاد مسئول در حوزه پولی از ناحیه ضعف نظارتی بر سرعت و مقدار پولی که توسط اپلیکیشن‌ها در اقتصاد کشور می‌چرخید، نگران بود و هیچ ابزاری هم برای اعمال حاکمیت بر این جریان نداشت. همین افزایش معنادار، نگاه‌های نهاده‌ا و دستگاه‌های مختلف را به سمت بانک‌مرکزی چرخاند تا با تدوین و اجرای دستورالعمل‌ها و بکارگیری ابزارهایی، امکان نظارت بر این حوزه را فراهم آورد.

جلسه‌ای کم‌سابقه در طبقه هفدهم بانک مرکزی

هفته‌های پایانی حضور ناصر حکیمی در معاونت فناوری‌های نوین بانک‌مرکزی، جلسه مهمی در طبقه هفدهم ساختمان بانک تشکیل شد و در تصمیمی

سال بیست و سوم / شماره ۵۳۱۳

در این مدل کارمزد بین چهار بازیگر تقسیم می‌شود: بانک مبدأ، بانکی که عملیات تراکنش روی دستگاه خودپرداز آن انجام می‌شود (در مدل انتقال وجه بوسیله پرداخت‌سازها، بانک مبدأ در حکم همان بانکی است که تراکنش بر روی خودپرداز آن انجام شده)، بانک مقصد پول و سوئیچ شتاب.

اگرچه در حالت کارت‌به‌کارت توسط اپلیکیشن‌ها، آپ‌های پرداخت‌ساز جای دستگاه خودپرداز را می‌گیرند اما دستورالعمل بانک‌مرکزی درباره سهم پرداخت‌سازها از کارمزد انتقال وجه کاملاً سکوت

کرده و هیچ مدلی برای آن تعیین نشده و همان‌گونه که گفته شد بانک مبدأ باید همان بانکی تلقی شود که ابزار تراکنش را فراهم آورده است. بر همین اساس پیگیری‌ها از چند بانک و شرکت پی‌اس‌پی نشان‌می‌دهد که سهم پرداخت‌سازها از کارمزد تعلق گرفته به بانک مبدأ کاملاً در گرو توافق بانک و پرداخت‌ساز است و در

موارد متعددی بانک‌ها حاضر به پرداخت هیچ سهمی از کارمزد به پرداخت‌سازها نبوده‌اند. به‌عبارت‌دیگر از آنجایی که سقف انتقال وجه توسط پرداخت‌سازها از سوی بانک مرکزی یک‌میلیون تومان تعیین‌شده، کارمزد این انتقال نیز حداکثر ۵۰۰ تومان است که بخش کوچکی از آن یعنی حدود ۱۰۰ تومان به شتاب تعلق می‌گیرد بنابراین در حال حاضر بخش زیادی از کارمزد ۵۰۰ تومانی انتقال وجه کارت‌ی به بانک مبدأ می‌رسد چراکه سهم بانک پذیرنده در محیط خودپرداز یعنی بانکی که عملیات انتقال وجه هم بر روی خودپرداز آن انجام می‌شود، در مدل بدون حضور کارت به بانک مبدأ تعلق می‌گیرد و این یعنی همان ذینفع اصلی!

تغییر رویکردها و انتظارات

پیگیری‌ها از شاپرک به‌عنوان متولی تدوین و اجرای مدل نظارت بر خدمت انتقال وجه بدون حضور کارت نشان‌می‌دهد هنوز کار به مرحله تعیین مدل تقسیم و تسهیم کارمزد نرسیده و اساساً تصمیم‌گیری در این مورد نیز با بانک مرکزی است. گذشته از این آنچه از مجموع رویکردها و سخنان مسئولان بانک مرکزی حتی در لایه رئیس این بانک به دست می‌آید، تغییر انتظارات و رویکردها نسبت به ابزارها و خدمات پرداخت و بانکداری الکترونیک از رویکرد «خدمت‌محور» به «نظارت‌محور» است.

در چنین رویکردی طبیعتاً مقولاتی مانند درآمدزا بودن ابزارها و روش‌ها و نگاه به این درآمدها در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرند چراکه متولیان ارائه خدمات در لایه‌های حاکمیتی در واقع فراهم آوردگان ابزارهای اعمال حاکمیت و نظارت هستند و نباید به این خدمات نگاه درآمدی داشته باشند.

بر این اساس اختیار تقسیم مسئولیت برای انجام پروژه‌های زیرساختی و انتخاب اینکه کدام‌یک از زیرمجموعه‌های مستقیم یا غیرمستقیم بانک مرکزی مسئول ایجاد این زیرساخت‌ها باشند، موضوعی نیست که در حیطه اختیارات این شرکت‌ها باشد و بتوانند یا بخواهند بر اساس جذابیت‌های درآمدی، خیز ایجاد زیرساخت‌هایی مانند زیرساخت متمرکز نظارت بر انتقال وجه بدون کارت را بردارند.

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده نوبت اول

تاریخ انتشار : ۱۳۹۸/۰۷/۱۳

شرکت تعاونی مصرف فرهنگیان شهرستان فومن

مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده نوبت اول شرکت تعاونی مصرف فرهنگیان شهرستان فومن در ساعت ۱۰ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۴/۰۸/۱۳۹۸ در محل سالن شهید بهشتی اداره آموزش و پرورش شهرستان فومن برگزار می گردد .

توجه :

هر یک از اعضای شرکت تعاونی می توانند استفاده از حق خود را برای حضور و دادن رای در مجمع عمومی به یک نفر به عنوان نماینده تام الاختیار بدهند که تعداد آراء وکالتی هر عضو حد اکثر سه رای و هر شخص غیر عضو تنها یک رای خواهد بود و افرادی که قادر به شرکت در مجمع نیستند ۳ روز قبل از برگزاری مجمع به مکان شرکت تعاونی واقع در خیابان امام خمینی جنب اداره آموزش و پرورش مراجعه نمایند تا متقاضی وکالتنامه بتواند به همراه نماینده خود به دفتر شرکت مراجعه تا مقام مجاز وکالتنامه را تأیید و وکالتنامه را تنظیم و صادر نماید و مدت زمان ان پایان وقت اداری روز سوم می باشد .

ضمناً داوطلبان عضویت در سمت هیئت مدیره و بازرسی موظفند تا ۷ روز از تاریخ انتشار دعوتنامه تشکیل مجمع عمومی عادی برای تکمیل فرم داوطلبی عضویت در سمت هیئت مدیره و بازرسی مدارک مربوطه را به هیئت مدیره تحویل نمایند

(مدارک لازم کپی کارت ملی – شناسنامه – مدرک تحصیلی – کارت پایان خدمت – کپی برکه سهام)

یادآوری:

چنانچه مجمع عمومی فوق الذکر به حد نصاب نرسیدجلسه بعدی مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده نوبت دوم با همان دستور جلسه ۱۵ روز بعد راس ساعت ۱۰ صبح روز پنجشنبه مورخ ۲۰/۰۸/۱۳۹۸ در همان محل برگزار خواهد شد .

داوطلبین عضویت در بازرسی باید واجد شرایط زیر باشند :

- ایمان و تعهد عملی به اسلام (در تعاونی های متشکل از اقلیت های دینی شناخته شده در قانون اساسی و شرط وثاقت و امانت
- نداشتن منع قانونی و محجور نبودن
- عدم عضویت در گروه های محارب و عدم ارتکاب جرائم علیه امنیت ملی و کشور و عدم محکومیت به جعل اسناد
- عدم سابقه محکومیت ارتشاء ،کلاهبرداری ،خیانت در امانت ، تدلیس ، تصرف غیر قانونی در اموال دولتی و ورشکستگی به تقصیر

دستو جلسه :

- استماع گزارش هیئت مدیره و مدیر عامل و بازرس در خصوص عملکرد سال های مالی ۹۶ و ۹۷ و نیمه اول ۹۸
- طرح و تصویب صورت های مالی سال های ۹۶ و ۹۷ و نیمه اول ۹۸
- انتخاب اعضای اصلی و علی البدل هیات مدیره وفق اساسنامه تصویبی
- انتخاب بازرس یا بازرسان اصلی و علی البدل وقق اساسنامه تصویبی
- طرح و تصویب بودجه پیشنهادی سال مالی ۹۹
- تعیین خط مشی و برنامه آینده شرکت
-

(عضای هیئت مدیره :

نام و نام خانوادگی :	امضاء	نام و نام خانوادگی :	امضاء
۱– علی عزیزاده		۲ – حاجعلی مرادی	
۳ – محمد عباسپور		۴ – ابوالقاسم کشتکار	

مدیر عامل : حاجعلی مرادی